



نقش مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام

دکتر سید محمد علی احمدی ابهری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۶

احمدی ابهری، سیدمحمدعلی
نقش مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام / سیدمحمدعلی احمدی ابهری. - قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
ده، [۳۰۲]ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۹۰: حقوق؛ ۳۷)
ISBN: 978-600-298-152-3
بها: ۱۵۶۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۲۷۵]-۲۹۰: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. مجازات - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۲. جرم‌شناسی - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۳. حقوق جزا (فقه).
۴. اجتهاد. ۵. اسلام - تجدید حیات فکری. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۶ ۷ ن ۳ الف / BP ۱۹۵ ۲۹۷ / ۳۷۵
شماره کتابشناسی ملی ۴۶۴۶۳۰۴



نقش مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام

مؤلف: دکتر سیدمحمدعلی احمدی ابهری
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
ویراستاری: اعتصام (اسماعیل یارمحمدی)
صفحه‌آرایی: کاما
چاپ اول: بهار ۱۳۹۶
تعداد: ۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - جعفری
قیمت: ۱۵۶۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰
ص. پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب نقش مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام نگاهی نو به جایگاه مقاصد شریعت دارد و پس از تمهید مقدمات لازم، با استدلالاتی آن را به عنوان بخشی اساسی از ادله اجتهادی به شمار می‌آورد. این کتاب می‌تواند نقطه آغازی برای بحث درباره جایگاه و نقش مقاصد شریعت در اجتهاد و قانونگذاری باشد.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند ضمن قدردانی از تلاش علمی مؤلف محترم جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر سیدمحمدعلی احمدی ابهری و همچنین ارزیابان کتاب آقایان دکتر قدرت‌الله خسروشاهی و دکتر محمدابراهیم شمس ناتری تشکر و سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: مفاهیم، مباحث مقدماتی مقاصد شریعت و پیشینه بحث	۷
مبحث اول: مفاهیم	۹
گفتار اول: مقاصد شریعت	۹
الف) شریعت	۱۰
ب) مقاصد	۱۲
گفتار دوم: مقتضیات زمان	۱۴
گفتار سوم: سیاست کیفری	۱۷
الف) جرم‌انگاری	۱۸
ب) مسئولیت کیفری	۱۸
ج) آیین دادرسی کیفری	۱۹
د) واکنش اجتماعی	۲۰
۱. تعیین واکنش اجتماعی	۲۰
۲. اعمال واکنش اجتماعی	۲۱
مبحث دوم: مباحث مقدماتی مقاصد شریعت	۲۱
گفتار اول: تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد	۲۲
الف) دیدگاه اشاعره	۲۲
۱. ادله	۲۵
۲. ارزیابی	۲۸
ب) دیدگاه معتزله	۳۱
۱. ادله	۳۲
۲. ارزیابی	۳۷
ج) دیدگاه غالب امامیه	۴۰

۴۳	گفتار دوم: ادراک عقل از مصالح و مفاسد
۴۴	الف) استدلال‌های قائلان به عدم امکان فهم عقل
۴۴	۱. ادله عقلی
۴۶	۲. ادله نقلی
۵۰	ب) استدلال‌های قائلان به امکان فهم عقل
۵۰	۱. ادله عقلی
۵۰	۲. ادله نقلی
۵۴	مبحث سوم: پیشینه نظریه مقاصد شریعت و راه‌های شناخت آن
۵۵	گفتار اول: تاریخچه مقاصد شریعت
۵۶	الف) اهداف شریعت در شیعه
۵۷	ب) اهداف شریعت در اهل سنت
۵۹	گفتار دوم: راه‌های شناخت اهداف و مقاصد دین
۵۹	الف) شناخت اهداف شریعت با تکیه بر نصوص
۶۰	ب) شناخت اهداف شریعت با استفاده از عقل و سیره عقلا
۶۱	۱. تقسیم احکام به امضایی و تأسیسی
۶۴	۲. تقسیم احکام به تعبدی و توصلی
۶۹	فصل دوم: انعطاف سیاست کیفری اسلام در برابر مقتضیات زمان
۶۹	مبحث اول: مقدماتی از بحث مقتضیات زمان
۶۹	گفتار اول: اسلام و مقتضیات زمان
۷۱	گفتار دوم: حدود تأثیر مقتضیات زمان بر احکام شرع
۷۳	گفتار سوم: مواردی از تأثیر مقتضیات زمان بر احکام
۷۵	مبحث دوم: مقتضیات زمان و جرم‌انگاری
۷۶	گفتار اول: تعریف و مراحل جرم‌انگاری
۷۹	الف) تعریف جرم‌انگاری
۸۰	ب) مراحل جرم‌انگاری
۸۰	۱. مراحل جرم‌انگاری در حقوق جزای عرفی
۸۱	۲. مراحل جرم‌انگاری در حقوق کیفری اسلام
۸۳	گفتار دوم: منابع جرم‌انگاری در حقوق کیفری اسلام
۸۴	الف) احکام منصوصه
۸۴	ب) احکام مستنبطه
۸۵	ج) احکام حکومتی
۸۶	۱. شرعی بودن احکام حکومتی
۸۸	۲. حدود اعتبار احکام حکومتی

۸۸	گفتار سوم: جرم‌انگاری در قوهٔ مقننه و روزآمدی سیاست کیفری اسلام
۹۰	مبحث سوم: مقتضیات زمان و مسئولیت کیفری
۹۱	گفتار اول: عوامل مؤثر در مسئولیت کیفری
۹۱	الف) عقل
۹۲	ب) بلوغ
۹۴	ج) قصد و عمد
۹۵	د) اختیار
۹۵	ه) علم و آگاهی
۹۷	گفتار دوم: عوامل مسئولیت کیفری در سیاست کیفری اسلام
۹۹	گفتار سوم: روزآمدی عوامل مسئولیت کیفری
۱۰۴	مبحث چهارم: مقتضیات زمان و آیین دادرسی کیفری
۱۰۴	گفتار اول: سیر تحولات آیین دادرسی کیفری
۱۰۶	گفتار دوم: آیین دادرسی کیفری و اصول و قواعد آن در اسلام
۱۰۷	الف) دادرسی عادلانه
۱۰۸	ب) اصل علنی بودن دادرسی
۱۰۹	ج) استقلال و بی‌طرفی دادگاه
۱۱۱	د) تسریع در محاکمه
۱۱۱	ه) اصل برائت
۱۱۲	و) تفهیم فوری اتهام
۱۱۳	ز) ایجاد شرایط مناسب برای دفاع
۱۱۳	ح) حق انتخاب وکیل
۱۱۴	ط) حق مواجهه با شهود
۱۱۴	ی) حق بهره‌گیری از مترجم
۱۱۵	ک) حضوری بودن محاکمه
۱۱۵	ل) درخواست تجدید نظر
۱۱۷	م) اصل قانونی بودن دادرسی، جرایم و مجازات‌ها
۱۱۸	ن) اصل تساوی همگان در برابر قانون و دادگاه‌ها
۱۱۹	س) عدم جواز تجسس در زندگی و رفتار مردم
۱۲۳	- موارد جواز تجسس
۱۲۳	ع) عدم اصرار بر اثبات جرم در برخی جرایم حق‌اللهی
۱۲۵	ف) عدم پافشاری شارع مقدس بر اجرای مجازات‌ها
۱۲۶	ص) عدم جواز آزار متهم و اخذ اقرار با اجبار، فشار و شکنجه
۱۲۸	گفتار سوم: روزآمدی اصول و قواعد آیین دادرسی کیفری

۱۲۹	مبحث پنجم: مقتضیات زمان و واکنش اجتماعی
۱۳۰	گفتار اول: تأثیر مقتضیات زمان بر تعیین واکنش اجتماعی
۱۳۰	الف) فلسفه تعیین واکنش‌های اجتماعی
۱۳۱	۱. فلسفه واکنش‌های اجتماعی در حقوق عرفی
۱۳۱	۱-۱. حق مجازات بزهکاران و مبانی آن
۱۳۳	۲-۱. اهداف مجازات‌ها
۱۳۴	۲. فلسفه واکنش‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام
۱۳۶	۱-۲. منشأ حق کیفر
۱۳۹	۲-۲. اهداف مجازات‌ها
۱۴۶	ب) چگونگی تأثیر مقتضیات زمان بر تعیین واکنش‌های اجتماعی
۱۴۷	۱. روزآمدی در حدود
۱۵۱	۲. روزآمدی در قصاص
۱۵۲	۳. روزآمدی در دیات
۱۵۳	۴. روزآمدی در تعزیرات
۱۵۶	گفتار دوم: تأثیر مقتضیات زمان بر اعمال واکنش‌های اجتماعی
۱۵۶	الف) نظریه ثبات
۱۵۷	ب) نظریه انعطاف
۱۶۰	ج) حدود و شرایط روزآمدی اعمال واکنش‌های اجتماعی

۱۶۳	فصل سوم: جایگاه مقاصد شریعت در روزآمدی سیاست کیفری اسلام
۱۶۳	درآمد
۱۶۳	مبحث اول: مقاصد شریعت در سیاست کیفری اسلام
۱۶۴	گفتار اول: جایگاه مقاصد در اجتهاد
۱۶۴	الف) فقه مقاصدی
۱۶۶	۱. شرایط مجتهد
۱۶۸	۲. اصول و قواعد مرتبط با مقاصد و اغراض شارع
۱۷۴	ب) رویکردهای اجتهاد و مقاصد
۱۷۴	۱. اجتهاد و مقاصد در احکام عبادات
۱۷۶	۲. اجتهاد و مقاصد در غیر عبادات
۱۷۶	۱-۲. اجتهاد در مواردی که مشمول هیچ دلیل فقهی نیست
۱۷۷	۲-۲. اجتهاد در مواردی که ادله فقهی شامل آن می‌گردد
۱۷۸	۱-۲-۲. اجتهاد تنها براساس منابع و نصوص فقهی
۱۸۳	۲-۲-۲. اجتهاد تنها براساس مقاصد شریعت

۱۹۰	۲-۳. اجتهاد براساس ادله فقهی با توجه به مقاصد شریعت
۱۹۱	۲-۴. اجتهاد بر مبنای مقاصد با توجه به ادله فقهی
۱۹۳	ج) اجتهاد در شیعه و نقش مقاصد
۱۹۳	۱. بررسی مبانی اجتهاد در فقه شیعه
۱۹۶	۲. تنقیح مناط
۱۹۶	۲-۱. شیوه‌ای برای دستیابی به ملاکات احکام
۱۹۸	۲-۲. تنقیح مناط در اجتهادات فقه‌های شیعه
۲۰۱	۲-۳. دیدگاه معاصران در مورد تنقیح مناط
۲۰۵	۳. موانع رونق مقاصد نزد دانشمندان شیعه
۲۰۷	۴. رویکرد پیشنهادی درباره نقش مقاصد در اجتهاد
۲۲۲	گفتار دوم: مقاصد کیفری شریعت
۲۲۴	الف) حفظ کرامت انسانی افراد جامعه
۲۲۵	ب) حفظ سلامت جسم و جان افراد جامعه
۲۲۶	ج) حفظ سلامت روانی، فکری و معنوی افراد و جامعه
۲۲۷	د) حفظ سلامت مالی و اقتصادی جامعه
۲۳۰	ه) تأمین امنیت قضایی و حقوقی برای افراد و جامعه
۲۳۳	و) مقاصد شریعت در واکنش به جرایم
۲۳۳	۱. تطهیر بزهکار
۲۳۵	۲. ارباب و بازدارندگی از ارتکاب جرم از سوی بزهکار و دیگران
۲۳۶	۳. اجرا و احیای عدالت
۲۳۸	۴. تشفی خاطر مجنی‌علیه یا بازماندگان او
۲۳۹	۵. حفظ ارزش‌ها و کیان جامعه
۲۴۰	۶. اصلاح و بازپروری بزهکار
۲۴۱	۷. جبران خسارات ناشی از جرم
۲۴۳	مبحث دوم: نمونه‌ای از تأثیر مقاصد در روزآمدی سیاست کیفری اسلام
۲۴۳	گفتار اول: مقصد حفظ دین و روزآمدی جرم‌انگاری
۲۴۳	الف) حفظ دین، مقصد مهم شرع
۲۴۴	ب) روش‌شناسی جرم‌انگاری رفتارهای ضد دینی
۲۴۵	۱. ارتداد
۲۴۵	۱-۱. مفهوم ارتداد در سیاست کیفری اسلام
۲۴۷	۱-۲. ارتداد و آزادی عقیده
۲۵۲	۱-۳. روش‌شناسی جرم‌انگاری ارتداد
۲۵۶	۲. سب‌النبی
۲۶۰	۳. دیگر رفتارهای ضد دینی

۲۶۰ ۱-۳. تهیه، ترویج و حفظ کتب ضلال
۲۶۱ ۲-۳. ادعای نبوت
۲۶۱ گفتار دوم: مقصد حفظ دین و روزآمدی تعیین و اعمال واکنش اجتماعی
۲۶۲ ۱. ارتداد
۲۶۳ ۱-۱. انواع ارتداد
۲۶۴ ۲-۱. انواع حکم ارتداد
۲۶۵ ۳-۱. تعیین واکنش اجتماعی
۲۶۷ ۴-۱. اعمال واکنش اجتماعی
۲۶۸ ۲. سبّ النبی
۲۶۸ ۱-۲. متون فقهی شیعه
۲۶۹ ۲-۲. متون فقهی اهل سنت
۲۷۰ ۳-۲. دیگر ادله حکم سبّ
۲۷۱ ۴-۲. روزآمدسازی حکم و اعمال آن
۲۷۳ ۳. دیگر رفتارهای ضد دینی
۲۷۳ ۱-۳. تهیه، ترویج و حفظ کتب ضلال
۲۷۴ ۲-۳. ادعای نبوت
۲۷۵ منابع و مأخذ
۲۹۱ نمایه‌ها
۲۹۱ نمایه آیات
۲۹۴ نمایه روایات
۲۹۸ نمایه اعلام
۳۰۲ نمایه آثار

مقدمه

سیاست کیفری اسلام مبتنی بر اصول و مبانی متعددی است که در کتاب و سنت، به صورت صریح یا ضمنی بیان شده‌اند؛ همچون: اصل قانونی بودن جرم و مجازات (قیح عقاب بلا بیان)؛ اصل قانونی بودن دادرسی؛ اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری؛ اصل برائت و فردی کردن مجازات در بخش عمده‌ای از اقدامات کیفری، که در موارد قابل توجهی، به وضوح، با موازین عقلی، دستاوردهای علمی بشر امروز و اصول منطقی سازگار است و نیازهای امروزی جامعه بشری را تأمین می‌کند و اما در بقیه موارد شرایط چگونه است؟

متأسفانه با وجود گذشت تلاش چنددهه‌ای در جهت اجرای احکام کیفری اسلام در کشور ما، هنوز بررسی دقیق و جامعی درباره مبانی نظری سیاست کیفری اسلام انجام نشده است. تأکید شجاعانه امام راحل علیه السلام بر تأثیر مقتضیات زمان و مکان در استنباط احکام شرع مقدس اسلام؛ هنوز به طور دقیق روشن نیست که مقاصد شریعت و مقتضیات زمان تا چه درجه و چگونه بر سیاست کیفری اسلام تأثیر می‌گذارند. آیا می‌توان با ملاحظه مقاصد عالی شریعت و نیز مقتضیات زمان سیاست کیفری اسلام را روزآمد ساخت؟ اصولاً آیا مقاصد شریعت و اهداف شارع مقدس چنان ظرفیتی را دارند که با توجه به شرایط و مقتضیات زمان شیوه‌هایی برای پیشگیری از ارتکاب جرم در این مکتب پیشنهاد داد؟ آیا به اقتضای شرایط زمان می‌توان احکام مسلم شرعی را تغییر داد، یا اجرای برخی از آنها را متوقف کرد و یا به تعویق انداخت؟ آیا با ملاحظه همه جنبه‌های یادشده می‌توان میزان و نوع کیفر را عوض کرد؟ بر این اساس ضروری است نقش و میزان تأثیر دو عامل پیش‌گفته در سیاست کیفری اسلام مورد بررسی دقیق علمی قرار گیرد.

به صورت مصداقی‌تر، سخن بر سر این است که آیا توجه به مقاصد شریعت چنان تأثیری در احکام شرع و به‌ویژه در قوانین فقه جزایی دارد که بتوان در سیاست جنایی به مفاهیم و

کارکردهای نو پرداخت؟ آیا می‌توان به گونه‌ای اجتهاد یا قانونگذاری کرد که از سویی بتوان از دستاوردهای علمی امروز جامعه بشری بهره برد و از سوی دیگر اطمینان داشت که در پی تحصیل و وصول به خواست‌ها و مقاصد و مصالح مورد نظر شارع مقدس هستیم؟

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های مردم مسلمان، به وضوح، خود را نشان داد. آنان خواهان اجرای احکام اسلامی بودند؛ شاید اصرار مردم و رهبران آنان بر اجرای کامل احکام اسلام، افزون بر زمینه اعتقادی، ریشه در نگاه تاریخی شیعه هم داشته باشد، که به جز دوران پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام، بقیه دوران‌های تاریخ امت اسلامی را، سراسر ظلم و ستم و دوری و انحراف از سرچشمه وحی می‌دیدند.

اگرچه اجرای این خواسته با مخالفت‌هایی از داخل و خارج روبه‌رو شد و چنین عملکردی را تحجر و بازگشت به قرون گذشته و اجرای احکام اسلامی را نه ممکن و نه مفید اعلام کردند؛ اما گویی دین‌باوران این سرزمین عزم خود را بر اجرای احکام دینی جزم کرده بودند و هیچ‌یک از مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی نتوانست در این عزم تأثیری بگذارد. به همین دلیل شاهد تدوین و اجرای قوانین بر مبنای تعالیم اسلامی بوده و هستیم.

آنچه در سال‌ها و بلکه دهه‌های گذشته همواره موجبات دغدغه خاطر متفکران، محققان و قانونگذاران را، در جهان اسلام، و به‌ویژه ایران، فراهم نموده است، چگونگی هماهنگی تعالیم دینی با شرایط زندگی امروزی بوده است. سخن این است که:

آیا احکام اسلام، افراد و جامعه بشری را به شیوه زندگی قرن‌های پیشین فرامی‌خواند و آنان را همچون برخی تفکرات واپس‌گرا، از هر گونه تحول و تکاملی بازمی‌دارد؛ یا این مجموعه از جهان بینی و ایدئولوژی، از ظرفیت و توان لازم برای همراهی با زندگی پیشرفته امروزی برخوردار است؟

در فلسفه حقوق اسلامی نیز، یکی از پرسش‌های مهم این است که حقوق اسلامی چگونه با تغییرات اجتماعی سازگار خواهد شد؟

حقوق اسلامی، معمولاً حقوقی دینی، مقدس و از این رو ثابت و غیر قابل تغییر شناسانده شده است. حقوقی با این ویژگی‌ها چگونه با چالش دگرگونی و هماهنگی با نیازهای زمان مواجه می‌شود؟ آیا حقوق اسلامی، ثابت و غیر قابل تغییر است، یا تا آن حد انطباق‌پذیر است که دگرگونی‌ها

و نوگرایی‌های مورد نیاز امروز و آینده جامعه جهانی را می‌توان در پرتو آن دنبال کرد؟

این مسئله از عمیق‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل در فلسفه حقوق اسلامی است که فقیهان و اسلام‌شناسان با آن مواجه‌اند.

در پاسخ به این سؤال مهم و سرنوشت‌ساز دو دیدگاه عمده وجود دارد: گروهی معتقدند که حقوق اسلامی به خاطر مفهوم و ماهیت تکاملی و روش‌شناسی‌اش، ثابت و تغییرناپذیر است و از این رو با تغییرات اجتماعی انطباق‌پذیر نیست. اکثر فقیهان سنتی، اهل حدیث و اخباریون شیعه و همچنین اسلام‌شناسانی مانند اسنوک هورخرونیه و ژوزف شاخت بر این نظرند. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که اصولی حقوقی، مانند ملاحظهٔ مصلحت و تأکید بر اجتهاد به‌خوبی نمایان‌گر انطباق‌پذیری و انعطاف‌گرایی حقوق اسلامی است. شماری از متخصصان حقوق اسلامی و بیشتر اصلاح‌گرایان و حقوق‌دانان مسلمان، نظیر شاطبی، خدوری و صبحی محمصانی از میان اهل سنت و بزرگانی، همچون میرزای نایینی، امام خمینی، شهید مطهری و گروهی دیگر از علمای شیعه این دیدگاه را پذیرفته‌اند.^۱

آنچه در این نوشتار مورد بحث قرار گرفته، همین موضوع است. بر آن بوده‌ایم تا بدانیم که آیا اسلام و احکام آن مجموعه‌ای ثابت و لایتغیر هستند و این، افراد و جوامع اسلامی هستند که باید تحولات چندانی در زندگی خود به وجود نیاورند، اشکال جدیدی از معاملات را ایجاد نکنند، در علوم و فنون دست به ابتکارات جدید نزنند، به فضا و سفر به آن نیندیشند و هرگونه انگیزه‌ای برای تحول و تکامل را در درون خود سرکوب کنند و در مقابل؛ و همزمان با تحولات علمی و پیشرفت‌های فنی - تکنولوژیک دیگر جوامع، ثبات و سکون را سرنوشت و تکلیف دینی خود بدانند، یا در موضعی کاملاً متفاوت، اسلام پیروان خود را به پیشرفت و تحول فراخوانده و مجموعهٔ تعالیم آن با انعطاف‌پذیری فوق‌العاده‌ای، ظرفیت روزآمدی و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی را به منصفهٔ ظهور می‌رساند؟

اگر بگوییم اسلام ظرفیت بالایی را برای روزآمدی در تعالیم و احکامش به نمایش می‌گذارد و به نیازهای زمان پاسخ مثبت می‌دهد، ضروری است که به مسائل پیرامونی چنین دیدگاهی نیز پردازیم و بررسی کنیم که:

احکام اسلامی و به‌ویژه مجموعهٔ مقررات مرتبط با سیاست کیفری آن چگونه، با چه روشی، تا چه حدی و در چه چارچوبی پاسخگوی این نیاز خواهند بود؟ آیا در این روند اهداف عالی و اساسی شرع، و به عبارتی دیگر، مقاصد شریعت نیز نقش و جایگاهی دارند؟ آن نقش و جایگاه کدام است؟

۱. برای ملاحظه تفصیلی مباحث در این زمینه، ر.ک: مسعود، فلسفهٔ حقوق اسلامی، ص ۲۷ و ۳۳؛ مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۸۵-۱۱۰.

موضوع این نوشتار عبارت است از: «نقش مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام»

بررسی علمی این موضوع از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. با روشن شدن چگونگی، میزان و محدوده تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام، می‌توان از میزان تأمین نیازهای جوامع بشری در هر زمان و چگونگی پاسخگویی آن به پدیده بزهکاری و مقابله این نظام کیفری با کژروی‌ها و تباهکاری‌های نوین در جامعه بشری امروز آگاه شد. نحوه تعامل سیاست کیفری اسلام با دستاوردهای علمی دانشمندان حقوق جزا و جرم‌شناسی نیز نتیجه ارزشمند دیگری برای این تحقیق خواهد بود. در این روزآمدسازی سیاست کیفری اسلام، جایگاه مقاصد و اهداف شریعت نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت، تا آشکار شود که در این مسیر توجه به اغراض و اهداف شارع مقدس، افزون بر منابع منصوص و ادله فقهی به چه میزان کارساز و راهگشا خواهد بود.

به هر روی امید این است که در سایه این تحقیق بتوان راهکارهایی برای چالش‌های نظام عدالت کیفری اسلام در برخورد با شرایط زمانی حال حاضر و آینده جامعه بشری یافت و تا حد ممکن روزه‌هایی امیدبخش در مسیر اجتهاد پویای فقهی و قانونگذاری کیفری در جامعه اسلامی گشود. چنین رویکردی نشان خواهد داد که در پرتو اهداف بلند شارع مقدس می‌توان به سیاست کیفری پیشرو و متکاملی رسید؛ که نه تنها نشانی از عقب‌ماندگی و تحجر ندارد؛ بلکه خود مبلّغ و مشوقی شورآفرین برای دستیابی به قله‌های دانش و آگاهی است. موضوع این نوشتار از این جهت نیز دارای اهمیت و پرداختن به آن ضروری است که ادبیات موجود در این زمینه کافی به نظر نمی‌رسد؛ چرا که:

مطالب ارزشمند بسیاری در زمینه مقتضیات زمان و مکان و تأثیر آن در فقه و احکام اسلامی نگاشته شده است که از آن جمله می‌توان به آثار منتشر شده از سوی کنگره مقتضیات زمان در دیدگاه فقهی امام خمینی علیه السلام اشاره نمود. حتی در زمینه تأثیرات مقتضیات زمان بر بخش‌هایی از نظام عدالت کیفری اسلام نیز کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده است. مقاصد شریعت نیز از قرن‌ها پیش مورد توجه عالمان فرقه‌های گوناگون اسلامی بوده است و اخیراً نیز، هم در بین متفکران شیعه و هم سنی و هم در مطالعات اسلام‌شناسان غربی موضوع بحث و تحقیق فراوانی قرار گرفته است. در این آثار به مباحث تفصیلی فراوانی، همچون شناخت مقاصد شارع، جایگاه مقاصد در اجتهاد و... پرداخته شده است، که ما در این تحقیق، به تناوب از این آثار ارزشمند

بهره فراوان برده‌ایم؛ اما آنچه جای خالی آن احساس می‌شود، بررسی پاسخ سیاست کیفری اسلام به موضوع روزآمدی و چارچوب‌ها و مرزبندی‌های ضروری و دقیق آن و مکانیزم حفظ ارتباط با مبانی و منابع فقهی و اطمینان از اتصال همیشگی به ریشه‌های قدرتمند شریعت است؛ چیزی که توجه نکردن به آن کسانی را آرام‌آرام از شاهراه شریعت دور ساخته و به طرح نظریاتی جذاب و خوب — اما بی‌ارتباط با مبانی دینی — سوق داده است.

آنچه ما را به انجام این تحقیق واداشته است، کاوشی برای کشف رابطه‌ای علمی و منطقی بین مقولاتی چون سیاست کیفری، فقه جزایی اسلام، مقتضیات زمان و اهداف و مقاصد شریعت است. درواقع به این مطلب می‌پردازیم که مقاصد شریعت، آنگاه که به صورت قطعی توسط عقل ادراک می‌شود، چه جایگاهی در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام دارد. این تحقیق برای وصول به هدف یادشده در سه فصل با عنوان‌های ذیل به کنکاش می‌پردازد.

فصل اول: مفاهیم، مباحث مقدماتی مقاصد شریعت و پیشینه بحث؛

فصل دوم: تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام؛

فصل سوم: مقاصد شریعت و جایگاه آن در اثربخوری سیاست کیفری اسلام از مقتضیات زمان.

برای ورود به بحث و در فصل اول به کلیات و معرفی اصطلاحات مربوطه می‌پردازیم، از اصطلاحاتی چون مقاصد شریعت، مقتضیات زمان و سیاست کیفری سخن خواهیم گفت و با نگاهی به گذشته و نظریات دانشمندان پیشین، سابقه بحث را واکاوی خواهیم نمود؛

در فصل دوم پس از طرح سه گفتار مقدماتی، درباره چگونگی و محدوده و موارد تعامل بین شریعت و شرایط متحول جوامع بشری، به مسئله تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری و شاخه‌های عمده آن، یعنی جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری، آیین دادرسی، تعیین و اعمال واکنش اجتماعی می‌پردازیم. سعی داریم که در هر شاخه، اگرچه از دستاوردهای علمی دیگر محققان بهره می‌گیریم و خود کمتر وارد جزئیات مطلب شده به نفی و اثبات می‌پردازیم، اما با این حال تلاش داریم هیچ مطلب لازمی را، که در بحث اصلی ما دخیل است، از قلم نیندازیم و همه دامنه بحث را ارائه کنیم تا تمامی موارد لازم، از تعاریف و منابع و مراحل شکل‌گیری موضوع مرتبط به بحث، تا اهداف و نظریات و انواع تعاملات را دربر بگیرد؛

فصل سوم، که بخش اصلی بحث ماست، به مقاصد و اهداف شارع اختصاص می‌یابد. در این فصل به نقش و جایگاهی که غرض شارع مقدس در روند تأمین نیاز زمان در سیاست

کیفری اسلام دارد، خواهیم پرداخت. این فصل، ضمناً، برای ما آشکار می‌کند که در هر یک از موضوعات اساسی جامعه بشری خواسته و هدف شارع مقدس چیست؟ و سیاست کیفری اسلام با اتخاذ چه تدابیری و با برخورداری از چه شیوه‌هایی می‌تواند در مسیر رسیدن جامعه به آن اهداف، ایفای نقش نماید.

ناگفته پیداست که در این تحقیق ریزه‌خوار خوان پربرکت دانش و بیش بزرگان علم و دین بوده‌ام. از خرمن فضل و احسان کتاب خدا و هدایت‌های نبی مکرم و راهبران معصوم الهی خوشه‌ها چیده‌ام و از انوار آگاهی‌بخش دانش عالمان دین و محققان و صاحب‌نظران این رشته بهره‌های بسیار برده‌ام. با این همه این کار تحقیقی را نخستین گام در این مسیر دانسته و از خلل و کاستی‌ها خالی نمی‌پندارم. از این رو امیدوارم که استادان محترم و ارباب فضل و معرفت با تذکر کاستی‌ها و تعلیم نقایص، اینجانب را قرین منت خویش کنند.

تقدیم به همه آنها که به جاودانگی مکتب انسان‌ساز اسلام و روزآمدی آن تا ابد باور دارند. با تشکر و قدردانی از تمامی کسانی که در مقابلشان زانوی تعلم بر زمین زده و از خرمن دانش بسیار آنان خوشه‌هایی، اگرچه ناچیز، برچیده‌ام؛ و پدرم (رضوان الله علیه)، که اولین اسوه زندگی بود؛ و مادرم، که همواره مدیون محبت‌های او هستم؛ و همسرم، که با صبوری، امکان تلاش در مسیر علم‌آموزی را برایم فراهم ساخت.

سیدمحمدعلی احمدی ابهری

۱۳۹۵

فصل اول

مفاهیم، مباحث مقدماتی مقاصد شریعت و پیشینه بحث

در اینکه احکام و تعالیم شرع مقدس اسلام ناشی از وحی و اراده حق تعالی و منطبق با نظامات هستی و از سوی دیگر کامل‌ترین ادیان آسمانی و پاسخگوی تمامی نیازهای بشری تا پایان هستی است، تردیدی وجود ندارد. احکام دینی مبتنی بر اصول و نظامات ثابت و مبانی معقول و منطقی هستند، که تغییر و تحول در آنها قابل تصور نیست.^۱ در بیانی دیگر، بسیاری از تحولات ناشی از گذشت زمان و پیشرفت جامعه بشری، نمی‌توانند ضرورتاً موجب تحول در احکام شرعی گردند؛ چرا که با حدوث موضوعات جدید، بسیاری از آنها مشمول ادله عام و کلی هستند، که در فرایند اجتهاد، حکم شرعی آن، با توجه به مقتضیات زمان و نیازهای جامعه بشری در هر دوره، توسط فقیه از قواعد و ادله فقهی استنباط و تبیین می‌شود. اینک باید دید در موضوعات مستحدثه، که در شرع حکمی بر ایشان وجود ندارد، یا مواردی که حکم آن به نحوی با مقتضیات زمان سازگار نیست، فقیه چگونه می‌تواند به استنباط و اجتهاد پردازد و حکمی متناسب با شرایط زمان به دست بیاورد. بنابراین اگر سخن از تأثیر مقتضیات زمان بر احکام شرع، و از جمله بر سیاست کیفری اسلام می‌رود، یا درباره جایگاه مقاصد و اهداف شرع در این اثرگذاری به تحقیق پرداخته می‌شود، این به هیچ وجه به معنای نقص و ناتوانی شرع از پاسخگویی به نیازهای نوین بشری و جستجوی منابعی برای جبران آن، از امور خارجی، نخواهد بود؛ بلکه در رهیافتی کاملاً متضاد، اثبات ظرفیتی بزرگ و بی‌انتها برای شرع است. سخن این است که شارع مقدس با اختصاص جایگاهی ویژه به

۱. به عنوان مثال لزوم صداقت، وجوب امانتداری، پرهیز از ناراستی و کژروی، رعایت حریم جان و مال و آبروی دیگران و بسیاری از احکام دیگر شرع از امور ثابت و لاینحرف در نظام هستی هستند و با گذشت زمان کهنه نمی‌شوند؛ چرا که مبتنی بر اصول ثابتی تنظیم و تشریح شده‌اند.

عقل،^۱ تشویق و تحریص خدا باوران به بهره‌برداری از آن در سلوک توحیدی، و سرزنش کسانی که تعقل نمی‌کنند^۲ و با تعیین و تبیین مصالح و اهداف مورد نظر خویش انعطافی خارق‌العاده در شرع ایجاد نموده است که می‌تواند با گذر زمان و تحولات عمیق، روزآمد شده و گرفتار اندراس و کهنگی نگردد. سخن از بهره‌گرفتن از ظرفیت درونی شرع برای تطبیق احکام آن با شرایط متفاوت زمانی جامعه بشری است و نه افزودن چیزی به آن، از بیرون، برای جبران کاستی‌ها.

در پژوهش پیش رو تلاش می‌گردد نقش و جایگاه مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام تبیین شود؛ اما پیش از هر چیز لازم به نظر می‌رسد که در همین فصل مقصود از اصطلاحات مورد بحث معلوم گردد، به‌ویژه اینکه ورود و نفی و اثبات در مباحث بعدی به میزان زیادی وابسته به تبیین دقیق این اصطلاحات است. از سوی دیگر ناگزیریم با طرح برخی مباحث اساسی ذهن‌ها را برای ورود به بحث مقاصد شریعت آماده سازیم و با طرح پیشینه این موضوع در فضای علمی جوامع اسلامی، نشان دهیم که این بحث از دیرزمان در بین مسلمانان مطرح بوده است و بدعتی بی‌اساس و ساخته امروز نیست. بنابراین در این فصل که مشتمل بر سه مبحث است، به طرح این موضوعات می‌پردازیم.

در مبحث اول مفاهیم اصطلاحات مطروحه در بحث را توضیح خواهیم داد. مفهوم مقاصد شریعت، مقتضیات زمان، سیاست کیفری و شاخه‌های آن، همچون جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری، آیین دادرسی کیفری، تعیین واکنش اجتماعی و اعمال آن در این مبحث تبیین می‌گردند؛ در مبحث دوم برای بررسی مباحث مقدماتی مقاصد شریعت، ابتدا به نظریات دخیل در موضوع بحث می‌پردازیم؛ چرا که توجه به دیدگاه‌های گوناگون نقش مهمی در بازشناسی جایگاه دقیق موضوع مورد بحث ایفا می‌کند و مسیر تحقیق را با توجه به طرح استدلال‌های ارباب انظار و انتقادهای مطرح شده از بسیاری از لغزشگاه‌ها دور می‌نماید. دو موضوع ذیل، که طی دو گفتار خواهند آمد، مقدمه بحث مقاصد به شمار می‌روند:

۱. در متون دینی، عقل حجت باطنی خداوند دانسته شده، در کنار انبیا و ائمه علیهم‌السلام که حجت ظاهری‌اند. به عنوان نمونه: «انَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً؛ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيْمَةُ. عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَ أَمَّا البَاطِنَةُ فَالعُقُولُ» (مجلسی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۱، ص ۱۳۷)؛ امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «... وَ يَثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنُ العُقُولِ؛ پیامبران آمدند تا گنج‌های پنهانی عقل‌ها را آشکار سازند» (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه اول).

۲. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال، ۲۳).

گفتار اول تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد. در این گفتار دیدگاه اشاعره، معتزله و امامیه را بررسی خواهیم نمود؛

گفتار دوم با عنوان ادراک مصالح و مفاسد موجود در متعلق احکام شرعی توسط عقل، به بررسی استدلال‌های قائلان به امکان و عدم امکان فهم عقل از مصالح و مفاسد خواهد پرداخت. **مبحث سوم** اختصاص به «پیشینه نظریه مقاصد شریعت و راه‌های شناخت آن» خواهد داشت. در گفتار اول این مبحث به تاریخچه مقاصد شریعت نزد شیعه و اهل سنت و در گفتار دوم به راه‌های شناخت اهداف و مقاصد دین خواهیم پرداخت.

مبحث اول: مفاهیم

همواره در مباحث علمی تبیین مفاهیم و تحریر محل نزاع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش والایی در روشن شدن مطالب و نظریات ارائه شده دارد. اینک شایسته است پیش از ورود به بحث، مقصود خود را از هر یک از اصطلاحات توضیح دهیم:

گفتار اول: مقاصد شریعت

غالب مسلمانان از دیرباز به دلایل عقلی و نقلی متعدد اعتقاد داشته‌اند که اعزام رسل و ابلاغ تمامی شرایع، و از جمله آخرین و کامل‌ترین ادیان، یعنی اسلام، از سوی پروردگار حکیم با اهدافی روشن انجام گرفته است.^۱ این اهداف در جای‌جای قرآن کریم و احادیث وارده از بزرگان دین به‌طور مکرر بیان شده است و توجه شارع مقدس به آن در تشریح احکام به صورت امری روشن درآمده است. وجود اهداف و مقاصد، هم برای کلیت دین و هم برای یکایک احکام و مقررات شریعت اسلام، ثابت است. در متون فقهی و اصولی نیز به اصطلاحاتی همچون **غرض شارع مقدس**، **اهداف شریعت**، **مقاصد شریعت**، **مقاصد شارع مقدس** و یا **تعبیرهای مشابه دیگری** برخورد می‌کنیم که غالباً تعریف دقیق و مشخصی هم برای آن بیان نشده است. البته به‌طور معمول این اصطلاح در متون یادشده به **مصالحی** اشاره دارد که خداوند حکیم با توجه به آنها و برای رسیدن بشر به آن مصالح، دین و احکام آن را تشریح کرده است. در واقع از

۱. این موضوع با ملاحظه تألیفات فراوان دانشمندان مذاهب گوناگون اسلامی در این باب به خوبی آشکار می‌شود. برای ملاحظه فهرستی از این تألیف‌ها ر.ک: امام، **الدلیل الارشادی الی مقاصد الشریعة الاسلامیه**، ج ۱-۶.

آن جهت که خداوند متعال خواستار تکامل مادی و معنوی بشر بوده است، اقدام به تشریح احکامی نموده است تا هم مسلمانان و هم جامعه اسلامی با عمل کردن به آنها به رشد و کمال مادی و معنوی دست یابند و در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوند.

الف) شریعت

شریعت در لغت به معنای راهی است که به نهر آب یا رود می‌رسد.^۱ و به اصطلاح عبارت است از تعالیم و احکام دینی، که از سوی خداوند برای جامعه بشری تشریح شده است. شریعت مشتمل است بر برخی مسائل اخلاقی و احکام عملی اعم از عبادات، معاملات و سیاسات، هم در زمینه فردی و هم در بعد اجتماعی که از منابع دینی مانند قرآن و سنت اخذ شده است و امروزه در قالب فتاوا و آرای فقها و مجتهدان تبلور یافته است. درباره شریعت گفته‌اند: «ماکان مستفاداً من کلام الشارع بأن أخذ من القرآن أو السنة و قد يطلق مجازاً علی کل ماکان من فتاوی و احکام الفقهاء و المجهدين؛ شریعت مجموعه احکامی است که از کلمات شارع استنباط شده است، بدان صورت که از قرآن و سنت گرفته شده و البته به شکل مجازی بر مجموع فتاوا و احکام فقها و مجتهدان اطلاق می‌شود».^۲ از سوی دیگر دین اصطلاحاً عبارت است از مجموعه اعتقادات (که از آن به اصول دین تعبیر کرده‌اند) و احکامی (مشتمل بر احکام عبادات، معاملات، سیاسات و اخلاقیات) که از سوی خداوند متعال برای هدایت بشر و راهنمایی او به تکامل مادی، معنوی، جسمی و روحی و رسیدن او به سرمنزل مقصود، نازل شده است. یکی از بزرگان در جملائی قریب به همین مضامین، دین را این‌چنین تعریف می‌کند:

«دین مجموعه معارف نظری الهی و روش‌های اخلاقی ارزشمند و آداب کلی و احکام شرعی عملی است».^۳

بنا به این تعریف اگر دین را به سه قسم: عقاید (مشتمل بر عقاید و معارف نظری الهی یا جهان‌بینی)، احکام (مشتمل بر عبادیات، سیاسات و معاملات) و اخلاقیات تقسیم‌بندی کنیم، تقسیمی درست و قابل قبول خواهد بود.^۴ بنابراین شریعت بخشی از تعالیم دین است و نه همه آن، بدین معنی که بیشتر بخش‌های دین را شامل می‌شود و عقاید را دربر نمی‌گیرد.

۱. رک: ابن منظور، لسان العرب، دارالتعارف، ماده شرع.

۲. فتح الله، معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص ۲۴۳. ۳. مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن.

۴. رک: تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ماده شریعت، ج ۵، ص ۸۳۵ و ۸۳۶.

البته از آنجا که شریعت در بردارنده احکامی است که اولاً، رابطه انسان را با خودش؛ ثانیاً، رابطه او را با پروردگارش و ثالثاً، رابطه او را با همنوغانش تنظیم می‌کند، خود نظامی فراگیر است که تمامی جوانب و زوایای زندگی آدمی را دربر می‌گیرد. آنچه در شریعت از اهمیت ویژه برخوردار است، التزام، پابندی و عمل به احکام شرع است، تا بدین وسیله افراد انسانی و جامعه بشری به درجات عالی‌بندگی حضرت حق نائل آیند و به مصالح ارزشمندی که هدف شارع مقدس از تشریح احکام بوده است، دست یابند. در بسیاری از آیات قرآن کریم اهمیت رفتار بر مبنای احکام الهی تأکید شده است. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ»^۱ و این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند و حافظ و نگاهبان آنهاست، بنابراین بر طبق احکامی که خدا نازل کرده در میان آنها حکم کن، و از هوا و هوس‌های آنها پیروی مکن، و از احکام الهی روی مگردان، ما برای هر کدام از شما آیین و طریقه روشنی قرار دادیم و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید (و استعدادهای شما را پرورش دهد) بنابراین بکوشید و در نیکی‌ها به یکدیگر سبقت جویند، بازگشت همه شما به سوی خداست و از آنچه در آن اختلاف کرده‌اید به شما خبر خواهد داد». همان‌گونه که در این آیه شریفه اشاراتی آمده است، خداوند برای هر ملتی شریعت و روشی مقرر داشته است، تا زندگی، رفتارها، قضاوت‌ها و احکام خود را بر مبنای آن تنظیم کنند؛ در نیکی‌ها از یکدیگر سبقت جویند، بدین وسیله در آزمون الهی پیروز و سرافراز گردند و توانایی‌های خود را متجلی سازند. غالب فقها و اصولیون به این مسئله اعتقاد راسخ دارند که شارع مقدس اهداف ارزشمندی در جهت هدایت بشر به عالی‌ترین درجات کمال مادی و معنوی در نظر داشته است و احکام شریعت را به همین جهت تشریح نموده است، تا از طریق عمل به آن قرب حق تعالی کسب شود و افراد و جوامع بشری، مصالح مورد نظر شارع را به دست آورند.

در آثار عرفای اسلامی به سه اصطلاح، در کنار یکدیگر، برخورد می‌کنیم که عبارت‌اند از: شریعت، طریقت و حقیقت. در این دیدگاه، آن گروه احکامی که تحت عنوان مقدمات، شرایط،

واجبات و ارکان آمده است و مکلفان باید برای امثال امر خداوند، عمل را با توجه به همه جزئیات به انجام رسانند و ترک آن گناه و گناه مستوجب کفر دانسته شده است «شریعت» خوانده شده است.

از سوی دیگر، در پس احکام شرع، باطنی در کار است که جز با اخلاص، حضور قلب، تسلیم، قصد طاعت و بندگی دست یافتنی نیست، تلاش و مداومت بر تحصیل این حالات معنوی و رسیدن به حلاوت عبادت و عروج و تقرب به درگاه الهی را «طریقت» نامیده‌اند. و آنگاه که بنده این مراحل را طی کرد و بدانجا رسید که از همه مادیات انقطاع حاصل نمود و جز حقیقت واحد هستی را ندید، پای در مرحله «حقیقت» نهاده است. البته بین عارفان و متصوفه، در مفهوم این اصطلاحات و ویژگی‌های هر یک، اختلافات اساسی وجود دارد؛ اما آنچه در فقه و حقوق مورد بحث است، همان شریعت به معنای مجموعه احکام عملی دینی اعم از عبادات، معاملات، سیاسات و دیگر احکام است.^۱

ب) مقاصد

غالب فقها و اصولیون بر این باورند که شارع مقدس اعزام پیامبران و تشریح ادیان را بی دلیل، بیهوده و بی هدف انجام نداده است؛ بلکه شرع را برای وصول به مصالح افراد و جامعه بشری و دوری از مفاسدی که آنان را تهدید می‌کند وضع نموده است. بدان معنی که احکام شرع به عنوان وسیله و راهی برای وصول به اهدافی بلند که مورد نظر شارع مقدس بوده‌اند، وضع شده است. از مصالحی که شارع به آن توجه کرده و احکام شرع را برای وصول به آنها وضع نموده است، به «اهداف شریعت»، یا «مقاصد شریعت» تعبیر نموده‌اند. در متون علمی سخن از سه نوع مقاصد رفته است:

۱. **مقاصد کلی**، که ناظر بر اهدافی است که اعزام پیامبران و ابلاغ ادیان برای وصول به آن اهداف انجام شده است. این مقاصد طبعاً اموری کلی هستند که در کل دین یا غالب ابواب و احکام آن مطمئن نظر بوده‌اند؛ مانند جلب مصالح و دفع مفاسد از مسلمانان و جامعه آنان، ایجاد نظم و امنیت عمومی در جامعه و ایجاد عدالت. روشن است که تعدادی از این مقاصد عام‌تر و در نتیجه مهم‌تر از تعداد دیگرند، بدین معنی که در ابواب بیشتری مورد توجه بوده‌اند؛

۱. برای ملاحظه بحث تفصیلی رک: زرین کوب، سر نی؛ قشیری، ترجمه رساله قشیری؛ رازی، مرصاد العباد؛ نسفی، انسان کامل.

۲. مقاصد خاص، اهداف خاصی هستند که شارع مقدس برای هر یک از ابواب احکام شرعی منظور داشته است؛ مثلاً در حکم مجازات جرایم مالی، تحکیم و حمایت از اصل مالکیت مد نظر شارع مقدس بوده است و در مجازات جرایم جنسی حفاظت از نهاد مهم خانواده؛

۳. مقاصد جزئی، مصالحی هستند که شارع مقدس در تشریح هر یک از احکام شرع در نظر داشته است؛ مانند مصلحت حفظ نفس در حکم قصاص و مصلحت دفاع از عرض و آبروی اشخاص در حکم مجازات قذف.

شیخ محمد طاهر بن عاشور تونسی مقاصد کلی شریعت را این گونه تعریف می کند: «مقاصد کلی تشریح، معانی و حکمت‌هایی است که شارع آنها را در همه یا بیشتر تشریحات خود در نظر داشته است؛ به گونه‌ای که اختصاص به نوع خاصی از احکام شریعت ندارد. بنابراین؛ اوصاف شریعت، هدف کلی آن و معانی‌ای که به هنگام تشریح احکام، مورد نظر شارع بوده است، و حتی معانی‌ای که در برخی از احکام شریعت به چشم نمی خورد، اما در بیشتر احکام آن وجود دارد، داخل در این تعریف می گردد».^۱ او برخی از این مقاصد کلی را به این شرح نام می برد: حفظ نظام، جلب مصالح، دفع مفاسد، ایجاد برابری میان مردم، شریعت را با مهابت مورد اطاعت و نافذ قرار دادن و امت اسلامی را نیرومند، پرشکوه و دل آرام ساختن.

او در بخش دیگری از کتاب خود مقاصد خاص را چنین معرفی می کند: «کیفیت‌های مورد نظر شارع، در محقق ساختن مقاصد سودمند برای مردم، یا آنچه که برای حفظ مصالحشان در رفتارهای خاص لازم است... که در این مقاصد هر حکمتی که در تشریح احکام مربوط به رفتارهای انسانی در نظر گرفته شده وارد می شود؛ مانند قصد حصول اطمینان در عقد رهن، ایجاد نظام خانوادگی در عقد نکاح و رفع زیان مستمر در مشروع دانستن طلاق».^۲

استاد علال فاسی مقاصد کلی و خاص شریعت را چنین تعریف می کند: «مقصود از مقاصد شریعت، غایت آن و اسراری است که شارع به هنگام تشریح هر یک از احکام خود در نظر داشته است».^۳ در این تعریف تعبیر «غایت آن» ناظر به مقاصد کلی و تعبیر «أسرار» ناظر به مقاصد خاص یا جزئی است.^۴

۱. ر.ک: ابن عاشور، مقاصد الشریعة الاسلامیة و مکارمها، ص ۱۵۴؛ به نقل از: ریسونی، اهداف دین از دیدگاه

شاطبی، ص ۳۶. ۲. همان، ص ۳.

۳. همان، ص ۴۱ و ۴۲.

۴. همان، برای ملاحظه بررسی تفصیلی تر ر.ک: ریسونی، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، ص ۳۵ به بعد.

دکتر احمد ریسونی در جمع‌بندی تعاریفی که از مقاصد ارائه شده است به تعریفی جامع و مختصر رسیده است. وی آورده است: «مقاصد شریعت همان غایاتی است که شریعت برای تحقق آنها در جهت مصلحت مردم وضع گردیده است».^۱

با مرور در نصوص اسلامی، اعم از تعالیم و احکام اسلامی به وضوح می‌توان هدفدار بودن کل دین و اعزام رسل و تشریح احکام و همین‌گونه یکایک ابواب و احکام را مشاهده نمود. ادله فراوانی در این زمینه وجود دارند که در مباحث بعدی بدانها خواهیم پرداخت؛ اما آنچه تذکر آن در اینجا برای جلوگیری از برخی پیشداوری‌ها ضروری به نظر می‌رسد، این نکته است که مراد ما از مقاصد و اهداف شریعت در مباحث آتی تنها اهداف و مقاصدی هستند که قطعی باشند و چنانچه از طریق حدس و گمان و حتی ظن، اهدافی برای شریعت مطرح باشند، مقصود ما نیستند و بدان اتکا نخواهیم نمود.

گفتار دوم: مقتضیات زمان

در فصل دوم این رساله به تأثیرات مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام و انعطاف‌پذیری شریعت در مقابل تحولات ناشی از گذشت زمان در جوامع بشری خواهیم پرداخت و دیدگاه‌های مختلف را در این باب مورد بررسی قرار خواهیم داد. از آنجا که ممکن است هر شخصی با توجه به جهان بینی و اعتقادات خود، تعریف خاصی از مقتضیات زمان داشته باشد، ضروری می‌نماید که به صورت کلی و گذرا اشاره‌ای به مفهوم اصطلاحات موجود در این بحث داشته باشیم:

یکی از ویژگی‌های انسان در برابر سایر جانداران قدرت تعقل اوست. به همین جهت انسان‌ها در یک حال نمی‌مانند و به‌طور دائم در زمینه‌های گوناگون در حال تحول و تکامل‌اند. اگر بشر امروز را با انسان‌های چند قرن و یا حتی چند دهه پیش مقایسه کنیم، به وضوح شاهد تفاوت اساسی به وجود آمده در عرصه‌های مختلف حیات او خواهیم بود. طبعاً این تفاوت‌ها موجب تغییرات اساسی در مناسبات افراد با یکدیگر و با جامعه و نیز در ارتباط جوامع با یکدیگر می‌گردد. ارتباطات اقتصادی و مالی که از چند نمونه فراتر نمی‌رفت، امروزه هزاران نوع را دربر می‌گیرد. معاملات اعتباری، مبادلات بین‌المللی، بورس، بیمه، بازار ورزش، خرید و فروش اطلاعات، سیاست‌های مالی و پولی دولت‌ها، شرکت‌های بین‌المللی و امثال آن به شکل چشمگیری در

۱. همان، ص ۳۸.

زندگی افراد و جوامع بشری ایفای نقش می‌کنند. مناسبات حقوقی، به تبع این تحولات، گسترش و تنوع غیر قابل تصویری یافته‌اند و سیستم‌های عدالت کیفری هر روزه با انواع گوناگونی از تبهکاری‌ها و جرایم سازمان‌یافته جدید روبه‌رو هستند. تحولات علمی و صنعتی شرایط را به‌طور کامل تغییر داده است؛ تا آنجا که بهره‌برداری از اجساد یا اعضای بدن دیگران و حتی تولید نمونه‌هایی از انسان‌ها و حیوانات در آزمایشگاه‌ها با استفاده از سلول‌های بنیادین هر روزه موضوعات جدیدی پیش روی قانونگذاران قرار می‌دهد. سفرهای طولانی مدت به فضا، تسخیر کرات دیگر، برنامه‌ریزی برای خرید و فروش املاک آنها، بهره‌برداری از فضا برای مقاصد نظامی و امثال این موضوعات همه جدید و کاملاً متفاوت با شرایط قرن‌های پیشین است. اینک این پرسش مطرح است: آیا شریعت اسلامی که از سوی خداوند متعال برای همیشه بشریت ابلاغ شده است، می‌تواند پاسخگوی نیازهای امروز جوامع بشری باشد؟ آیا انعطاف‌پذیری لازم از سوی شارع مقدس در این مکتب الهی مورد ملاحظه قرار گرفته است؟ به عبارتی روشن‌تر، آیا اسلام از افراد و جوامع بشری می‌خواهد که معاملات، مناسبات و تحولات خود و جامعه خود را محدود به همان شرایط و اشکالی کنند که در زمان ظهور اسلام از سوی شارع مقدس به تأیید رسیده است؟ یا اینکه در درون این مکتب شیوه‌های کارآمدی برای روزآمدسازی احکام تعبیه شده است، تا بتواند سایه هدایت خود را بر همه موضوعات نو، در نسل موجود و آینده بشری بگستراند؟

برای جلوگیری از اختلاط مباحث، ابتدا باید مقصود از مقتضیات زمان را روشن کنیم. مقصود ما از مقتضیات زمان در این پژوهش، تغییراتی است که با گذشت زمان، در سایه پیشرفت‌های علمی و اجتماعی در مسائل گوناگون زندگی بشری پیش می‌آید و مراد از روزآمدی شریعت نیز پاسخگویی به نیازهای معقول و منطقی افراد و جوامع بشری در وضعیت نوین آنهاست. بسیاری از متفکران مسلمان در این زمینه آثاری دارند که با تفصیل بیشتر به تبیین این امر می‌پردازد. جا دارد به دیدگاه تنی چند از دانشمندان در این زمینه نگاهی داشته باشیم.

از دیدگاه شهید مطهری مقصود از مقتضیات زمان «تحولات گوناگون بشری است که در زمان و مکان اتفاق می‌افتد».^۱ ایشان در جای دیگر این چنین توضیح می‌دهد: «مقتضیات زمان، یعنی مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی. بشر به حکم اینکه به نیروی عقل و ابتکار و اختیار مجهز است و تمایل به زندگی بهتر دارد و پیوسته افکار و اندیشه‌ها و عوامل و وسایل بهتری را

۱. مطهری، ختم نبوت، ص ۴۹ و ۵۵.

برای رفع احتیاجات اقتصادی و اجتماعی و معنوی خود وارد زندگی می‌کند، ورود عوامل و وسایل کامل‌تر و بهتر، خودبه‌خود سبب می‌شود که عوامل کهنه و ناقص‌تر جای خود را به اینها بدهند و انسان به عوامل جدید و نیازمندی‌های خاص آن وابستگی پیدا کند؛ وابستگی بشر به یک سلسله احتیاجات مادی و معنوی و تغییر دائمی عوامل و وسایل رفع‌کننده این احتیاجات و کامل‌تر و بهتر شدن دائمی آنها که به نوبه خود یک سلسله احتیاجات جدید نیز به وجود می‌آورند، سبب می‌شود که مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی در هر عصری و زمانی تغییر کند و انسان الزاماً خود را با مقتضیات جدید تطبیق دهد.^۱

آیت‌الله مرعشی رحمته‌الله به تبیین دقیق‌تر مقتضیات زمان در امور حقوقی و قضایی می‌پردازد:

«مقتضیات زمان گاهی به اعتبار موضوعاتی است که در زمان مطرح است... مانند مسائل مربوط به بانک، حقوق بین‌الملل و امثال آن... گاهی از اوقات هم که می‌گوییم مقتضیات زمان، معنای دیگری در نظر است و آن اینکه... در یک قالب جدید مسائل اسلام را در جامعه پیاده بکنیم، بدون اینکه برخوردی با اصل پایه‌های اسلام داشته باشد. پس مراد از مقتضیات زمان در این معنی، این است که فقیه باید در «حوادث واقعه» سعی کند با سبک جدیدی احکام اسلام را پیاده کند... اصل تشکیل حکومت، مسئله قوه مقننه، مجریه و قضاییه و تقسیم قوا به سه قوه چیزی است که در صدر اسلام به این شکل مشخص و مرتب نبوده و این مسائل در چارچوب خاص خودشان در دنیای کنونی مطرح است... مثلاً لزوم «حکومت قانون» از مقتضیات زمان است و در اداره و نظم جامعه باید مد نظر قرار گیرد. پس اینکه می‌گوییم قاضی باید مجتهد باشد، حرفی است که با مقتضیات زمان سازگار نیست. باید ما فتوای آنها را بپذیریم که می‌گویند قاضی لازم نیست مجتهد باشد».^۲

از این موضوع در روایات و تعالیم اسلامی تعبیر به حوادث واقعه شده است و مردم در مواجهه با این‌گونه مسائل نوپدید، به سوی عالمان دینی و مجتهدان ارجاع داده شده‌اند. طبیعی است که مجتهدان جامع‌الشرايط نیز با توجه به مقتضیات زمان دست به اجتهاد و استنباط حکم می‌زنند؛ بدان‌گونه که پاسخگوی نیاز مردم در مسائل مورد ابتلای ایشان باشد و بتوانند با حفظ اعتقادات و التزام خود به احکام شرع، زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را در شرایط

۱. همان، ص ۵۳.

۲. مرعشی رحمته‌الله، «نقش زمان و مکان در اجتهاد»، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی رحمته‌الله، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و ۳۳۰.

جدید اداره کنند. این، خود دلیل بر انعطاف‌پذیری شریعت و قابلیت آن برای تطبیق با مقتضیات زمان است.

گفتار سوم: سیاست کیفری

در تعریف سیاست کیفری آورده‌اند: «سیاست کیفری» ترکیب اضافی آشنایی است که از معنای لغوی واژه‌های «سیاست» و «کیفر» دور نیفتاده و منعکس‌کنندهٔ تدابیر عمدتاً «کیفری» و سزادهنده‌ای است که در جهت پیشگیری و سرکوبی «جرم»، در یک جامعه، اتخاذ گردیده و به اجرا گذاشته می‌شود.^۱ همان‌گونه که در این تعریف دیده می‌شود، در سیاست کیفری غالب تدابیری که برای مقابله با بزهکاری در نظر گرفته می‌شود، واجد جنبهٔ کیفری هستند و تلاش می‌شود با بهره‌گیری از ویژگی‌ها و آثار مجازات‌ها و دیگر اقدامات کیفری با بزهکاری مقابله شود.

امروزه، البته برای مقابله با بزهکاری تنها به سیاست کیفری و اقدامات سزادهنده اکتفا نمی‌شود، بلکه در حوزه‌ای گسترده‌تر و با ابزارهایی متنوع‌تر، تحت عنوان «سیاست جنایی» به مجموعه‌ای از تدابیر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اداری و... و از جمله کیفری، پرداخته می‌شود. در واقع سیاست کیفری به معنای «برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی برای جرم از طریق کیفر» امروزه بخشی از سیاست جنایی به حساب می‌آید. در سیاست جنایی تدابیر گوناگونی، هم برای مقابله و هم برای پیشگیری از وقوع جرم مورد نظر هستند. افزون بر آن، تدابیر اتخاذشده در سیاست جنایی، مقابله و پیشگیری از انحراف‌ها و کژروی‌ها را نیز مد نظر دارند.^۲

سیاست کیفری، که در این تحقیق موضوع اصلی بحث است، در ابزارهای متعددی، از جمله جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری، آیین دادرسی کیفری، تعیین و اعمال واکنش اجتماعی متبلور می‌شود.

نگاهی گذرا به مجموعه احکام شرع مقدس اسلام نشان می‌دهد در تعالیم اسلامی، هم سیاست جنایی مشتمل بر تدابیر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جهت مقابله با جرم

۱. برای ملاحظه این تعریف و مسائل پیرامونی آن ر.ک: حسینی، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۳.

۲. برای ملاحظه دیدگاه‌های گوناگون دربارهٔ سیاست جنایی و اهداف آن، ر.ک: لازرژ، سیاست جنایی، ص ۳۳-۵۰.

و پیشگیری از آن مورد توجه قرار داشته است و هم مقررات کیفری اسلام به صورتی منسجم در پی اعمال تدابیری است که پیشگیری از جرم و مقابله با آن را از طریق اجرای عدالت، حفاظت از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی و اصلاح و بازپروری بزهکاران مد نظر قرار می‌دهد و در این مسیر بر دادرسی عادلانه و حقوق انسانی متهم پافشاری دارد. مجموعه اهداف، اصول، انواع مجازات‌ها، تأکید بر شیوه‌های دادرسی عدالت‌محور و رعایت حقوق متهم نشان از نگاهی تدبیرآمیز و هدفمند در مقابله با جرم دارد و این همان سیاست کیفری اسلام است. در ادامه به تبیین مفاهیم جنبه‌های گوناگون سیاست کیفری می‌پردازیم.

الف) جرم‌انگاری

جرم‌انگاری بخشی از سیاست کیفری است که عهده‌دار تعیین رفتارهای مجرمانه است. در این فرایند قانونگذار با توجه به مبانی فرهنگی، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، رفتارهایی را که نظم و امنیت عمومی را به خطر می‌اندازد، یا موجب خطر، صدمه و آسیب برای جامعه یا افراد آن می‌شود، جرم شناخته و برای مرتکب آن ضمانت اجرایی تعیین می‌نماید.

در جرم‌انگاری، افزون بر اینکه رفتار مورد نظر باید بر مبنای یکی از اصول نظری راجع به جرم‌انگاری جرم به شمار آید، باید اثبات شود که برای جلوگیری از آن راه‌حل دیگری، جز تعیین مجازات، وجود ندارد^۱ و مجازات آن نیز موجب آثار سوء نخواهد بود.

در فصل دوم، برای ورود به مبحث تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام، به بررسی تعریف جرم از زاویه‌های مختلف پرداخته می‌شود و ضمن نگاهی گذرا بر مراحل جرم‌انگاری در حقوق جزای عرفی و اسلام، منابع جرم‌انگاری در حقوق کیفری اسلام و نقش قوه مقننه در روزآمدسازی این بخش از سیاست کیفری اسلام را نیز بررسی کرده‌ایم.

ب) مسئولیت کیفری

در سیر تحولات حقوق جزا آورده‌اند که در قرون وسطا، جوامع اروپایی در مقابله با هر گونه اقدامی که نظم و امنیت جامعه را به خطر می‌انداخت، یا صدماتی به فرد یا جامعه وارد می‌ساخت و یا

۱. «آخر الدواء الکی» (ر.ک: سیدرضی، نهج البلاغه، خ ۱۶۸؛ میرزا محمد، در بارگاه آفتاب: نهج البلاغه در ادب پارسی، ص ۱ و ۲).

متضمن نقض فرمان‌های پادشاه بود، نسبت به مجازات عامل آن اقدام می‌کرد. در واقع، تمامی توجه به جرم و مجازات بود و ویژگی‌های گوناگون مجرم نقش چندانی در مسئله ایفا نمی‌کرد. با توجه به افکار خرافی و اعتقادات ضد علمی حاکم بر جوامع آن دوران، وقوع جرایم را ناشی از حلول شیاطین، ارواح خبیثه و جن و دیو در افراد و حتی حیوانات دانسته و به همین جهت رفتارهایی خشونت‌آمیز را بر کودکان، مجانین و حیوانات اجرا می‌نمودند.^۱ این در حالی است که قرن‌ها پیش از آن، در آیین دادرسی اسلام، تنها کسانی قابل مجازات شناخته می‌شدند که واجد شرایط تکلیف باشند. قرن‌ها گذشت تا این مفهوم جای خود را در ذهن دانشمندان باز کرد و مسئولیت کیفری به عنوان شرط اجرای مجازات‌ها و اقدامات تأمینی شناخته شد. مفهوم اصلی مسئولیت کیفری به مسئولیت اخلاقی بازمی‌گردد، بدین معنی که کسی را می‌توان مجازات نمود که از نظر عقلی و اخلاقی بتوان او را برای عملی که انجام داده مورد سرزنش و مذمت قرار داد. از این رو در تعریف مسئولیت کیفری گفته شده است: «مسئولیت جزایی عبارت است از انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به شخص یا اشخاصی که با انجام بزه، خواه به عنوان مباشرین و خواه به عنوان شرکا و معاونین، به عمد یا به خطا، به قوانین جزایی تجاوز کرده‌اند و توان تحمل بار مجازات و یا احتمالاً اقدامات تأمینی و تربیتی را در قبال فعل یا ترک فعل خود دارند».^۲ از نظر تعالیم اسلامی برخورداری از عقل و رسیدن به سن بلوغ و داشتن اختیار، اراده آزاد و علم به موضوع و حکم، در هنگام ارتکاب جرم، از شروط مسئولیت کیفری است.^۳ مسئولیت کیفری از اجزای مهم سیاست کیفری است و به همین مناسبت در فصل دوم این تحقیق به بررسی تأثیر مقتضیات زمان بر آن پرداخته‌ایم.

ج) آیین دادرسی کیفری

برای تأمین عدالت، تنها وجود قوانین ماهوی عادلانه و مترقی کافی نیست، بلکه افزون بر آن، آیین دادرسی کیفری، در این راستا نقش مهمی بر عهده دارد. بر مجموع شیوه‌های اعمال و اجرای حقوق کیفری ماهوی، که مشتمل بر چگونگی تعقیب و پیگیری پرونده کیفری، از کشف جرم، تا تعقیب، تحقیق، رسیدگی و صدور حکم و شیوه‌ها و روش اجرای واکنش اجتماعی را

۱. صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۱۴؛ نیز ر.ک: شامبیانی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۶۲.

۲. نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۸۷ (پاورقی).

۳. برای بحث مسئولیت در سیاست جنایی اسلام ر.ک: حسینی، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی، ص ۱۰۴ و ۱۲۰.

دربر می‌گیرد، به همراه اصول و قواعد دادرسی کیفری، آیین دادرسی کیفری اطلاق می‌گردد. در سومین مبحث از فصل دوم رساله، آیین دادرسی کیفری اسلام، اصول و قواعد حاکم بر دادرسی جزایی و تشریفات رسیدگی کیفری از نظر این مکتب، موضوع بررسی ما خواهد بود. در این مبحث افزون بر موارد یادشده، به تأثیر مقتضیات زمان بر آیین دادرسی کیفری اسلامی نیز خواهیم پرداخت.

د) واکنش اجتماعی

از آن دوران که با تشکیل دولت‌ها، دادرسی خصوصی و انتقام از مجرم، جای خود را به دادگستری عمومی داد، برخورد با بزهکار در شکل اقدامات جامعه برای پاکسازی محیط اجتماعی خودنمایی کرده، تدابیر گوناگونی در این مسیر، با هدف کاهش جرایم و کژروی‌ها مطرح شدند.

امروزه واکنش جوامع بشری به اقدامات مجرمانه، تنها به مجازات و راهکارهای سزادهنده محدود نمی‌شود؛ بلکه تدابیری، چون اقدامات تأمینی و تربیتی و اقدامات بازدارنده نیز، به عنوان بخشی از واکنش جامعه به رفتارهای بزهکارانه، در دستور کار قانونگذاران قرار دارند. در بررسی واکنش اجتماعی و تأثیر مقتضیات زمان بر این نهاد حقوق کیفری، به دو محور تعیین واکنش و اعمال و اجرای آن خواهیم پرداخت.

۱. تعیین واکنش اجتماعی

در بحث از تأثیر مقتضیات زمان بر تعیین واکنش اجتماعی، بررسی مسائلی همچون فلسفه واکنش‌های اجتماعی و مبانی حق مجازات و اهداف آن در نظام‌های حقوق عرفی و اسلام ضروری است. ما در مبحثی مستقل به این امور پرداخته‌ایم و سپس وارد موضوع تأثیر مقتضیات زمان بر تعیین واکنش‌های اجتماعی شده‌ایم.

همین جا باید به این نکته اشاره کنیم که تنها آنگاه می‌توان گفت که رفتاری مشخص از سوی قانونگذار به عنوان جرم شناخته شده که برای ارتکاب آن ضمانت اجرایی به صورت واکنش اجتماعی، تعیین گردد. واکنش اجتماعی می‌تواند مشتمل بر انواع مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی، یا برخی اقدامات بازدارنده باشد و در آن باید اصولی همچون تناسب با جرم، شخصی بودن و... رعایت شود.